



دکتر علی نقی منزوی

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از اسلام

حدوث؛ یا قدم در کلام خدا

دکتر علی نقی منزوی

هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی، کرمان ۲۵ - ۳۰ شهریور ۲۵۳۶، دفتر نخست، بیست و پنج خطابه، به
کوشش محمد روشن، بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان‌های ایران، فرهنگستان ادب و هنر ایران، شماره ۷،
چاپخانه حیدری، مرداد ۲۵۳۷ شاهنشاهی، برگه ۳۰۰ - ۳۱۱

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

۱	یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از اسلام
۱	حدوث؛ یا قدم در کلام خدا
۱	دیدگاه هندیان
۲	نظر یهود
۴	از نو طرح شدن مسأله
۵	سبا چیست و ابن سبا کیست
۱۱	کتابنامه
۱۱	نمایه کتاب و مقاله
۱۶	کتابنامه
۱۶	نمایه کتاب و مقاله

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از
اسلام

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از اسلام

حدوث؛ یا قدم در کلام خدا

دکتر علی نقی منزوی

هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی، کرمان ۲۵ - ۳۰ شهریور ۲۵۳۶، دفتر نخست، بیست و پنج خطابه، به
کوشش محمد روشن، بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان‌های ایران، فرهنگستان ادب و هنر ایران، شماره ۷،
چاپخانه حیدری، مرداد ۲۵۳۷ شاهنشاهی، برگه ۳۰۰ - ۳۱۱

من در کنگره‌های ششم در دانشگاه آذربادگان در تبریز به سال ۱۳۵۴ و کنگره هفتم در دانشگاه ملی تهران به سال
۱۳۵۵ دو نمونه از مسائل مورد بحث مشترک پیش از اسلام را به بحث نهاده بودم. اکنون با اجازه خانم‌ها، آقایان محترم
می‌خواهم یک مورد دیگر را به بررسی بگذارم.

یکی از مسائل که در قرن دوم هجری مطرح شده و در آغاز قرن سوم هجری در بغداد به طور گسترده مورد بحث قرار
داشت، مسأله حدوث؛ یا قدم کلام الله بوده است. چگونگی جریان آن کشاکش‌ها و صورتی که با مداخله دولت مأمون عباسی
در آن به خود گرفت، در کتب تاریخ مانند طبری، ابن اثیر به تفصیل آمده و در این جا ما را بدان کاری نیست.

هم‌چنین در این جا من وارد اصل موضوع نمی‌شوم؛ و یا اثبات؛ یا نفی آن و دفاع از یکی ضد دیگری کار ندارم، تنها
خواست من در این جا آن است که در حدود توانایی به ریشه‌های کهن این مسأله رسیدگی کرده، پیشینه تاریخی آن را روشن
سازم.

دیدگاه هندیان

بیرونی (د: ۴۴۰ ق / ۱۰۴۸ م) می‌گوید: یونانیان آیین‌نامه‌ها و متون قانون‌ها را بر نهاده فیلسوفان می‌دانند، که خدا در
وضع آن‌ها بدیشان کمک کرده است. در روزگار دارای اول، پس از مرگ کورش، رومیان قوانین یونانی و سنت‌ها را از «راشین»

دکتر علی نقی منزوی

فیلسوفان می‌دانند، نه از فرستادگان خدا که ایشان را «ناراین» می‌نامند. از این رو، این ملت‌ها، نسخ و تغییر قانون‌ها را، بنابر نیازمندی روزگار جایز می‌شمردند.^۱

نظر یهود

از سوی دیگر عبدالجبار معتزلی همدانی (د: ۴۱۵ق / ۱۰۲۴م) در شرح اصول الخمسة و محمد بن علی کراچکی شیعی صوری (د: ۴۴۹ق / ۱۰۵۷ در کنز الفوائد می‌گویند: یهودیان همه قانون‌ها و سنن را الهی می‌دانسته، ازلی و ابدی، نسخ ناپذیر و غیرقابل تغییر می‌شمردند.^۲

دیگر ملل و نحل نویسان نیز هر یک جداگانه در این باره سخن رانده‌اند. از دانشمندان یهود نیز ابن میمون (۵۳۰ - ۶۲۰ق) شرحی گسترده درباره ازلی و ابدی بودن قوانین مذهب یهود که بر موسی آمده آورده است.^۳

اندیشه قدیم بودن کلمه و ابن‌الله؛ یا روح‌الله نامیدن آن که در آغاز انجیل یوحنا دیده می‌شود، نیز تکامل یافته اندیشه یهودی است که پس از پیدایش تصور قدیم بودن خدا و ازلی و ابدی بودن و جامد و لایتغیر بودن قوانین او پدید آمده است. دو نظریه متناقض قدیم؛ یا حدوث بودن کلام و قانون‌های خدا ناشی از دوگونه خداپرستی است که در میان دو ملت هند و یهود پیش از آمیختن با ملت‌های دیگر رایج می‌بوده است.

خدای یهود هم چون پادشاهی قهار است که جدا از جهان زیست می‌کند و بر عرش نشسته ملائکه را هم چون لشکر خود سان می‌بیند. او قوانین ازلی و ابدی خود را به وسیله موسی برای مردم فرستاده است که هیچ گاه نسخ؛ یا تغییر داده نخواهد شد (ابن میمون همان کتاب همان جا) او بنابر اراده بی چون و چرای خود که تابع هیچ گونه صلاح‌اندیشی نیست، هرگاه اراده کند، کسی را به سمت رسالت می‌گزیند تا برای اجرای قوانین ازلی او در میان مردم نظارت کند و راه درست را بدیشان بنمایاند.

^۱ تحقیق ماللهند من مقولة، ابوریحان بیرونی (۴۴۰ق / ۱۰۴۸م)، ج. هند، ۱۹۵۸، ۸۰ - ۸۱.

^۲ شرح الأصول الخمسة، عبدالجبار معتزلی همدانی (د: ۴۱۵ق / ۱۰۲۴م)، ج. مصر، ۱۹۵۶، ۵۷۶؛ و کنز الفوائد، محمد بن علی کراچکی شیعی صوری (د: ۴۴۹ق / ۱۰۵۷)، ج. سنگی، تهران، ۱۳۲۲ق، برگه ۱۰۲.

^۳ دلالة الحائرین، ابن میمون (۵۳۰ - ۶۲۰ق)، فصل ۳۹، ج ۲، چ. حسین اتای استانبول ۱۹۷۴، ۴۱۵ - ۲۱۷)

خدای هندی در همه جا هست، لامکان است، او روح جهان و خود جهان است.

جزء الهی در هر فرد بشر موجود است، خرد آدمی بدو حکم می‌کند که از راه ارتیاض و تعلیم بر آن جزء الهی بیفزاید و آن را رشد دهد و از مادیات خویش بکاهد و این پیشرفت تا به مرحله‌ای ادامه می‌یابد که بگوید: «لم یبق فی جبهته إلا الله»، در چنین جهان بینی قانون‌ها به وسیله فیلسوفان و بشرهایی که جزء الهی آنان بیش از دیگران رشد کرده، وضع می‌شود، چون تکامل افراد جامعه با رشد علمی ایشان (جزء الهی آنان) پیش می‌رود، طبعاً قانون‌ها نیز تغییر و تکامل می‌یابند.

من در این جا نمی‌خواهم میان این دو دیدگاه (یهودی و هندی) مقایسه کنم؛ یا یکی را بر دیگری ترجیح دهم، چون هر یک از آن دو قطب متضاد دارای نقاط منفی و غیر منطقی هستند که در اسلام و دیگر مذاهب ترکیبی آن نقاط اصلاح شده است؛ بلکه مقصود من در این جا به دست‌دادن سر رشته از اندیشه‌های مرکب (هندی - یهودی) است که متکلمان و علمای قرون اولیه اسلام در عراق و ایران مطرح می‌نموده و بر سر آن‌ها کشاکش می‌داشته‌اند؛ زیرا که هجوم ایرانیان بر یونان و هجوم یونانیان بر ایران، دو جهان بینی بسیط و ساده یهودی و هندی را درهم آمیخته فلسفه ترکیبی نئوآفلاطونی و مذاهب دورگه مسیحی، مانوی را پدید آورده بود.

این معجون آراء و عقاید تا سده هفتم میلادی در دانشگاه‌های اسکندریه، حران، نصیبین، سورا (میان بابل و تیسفون) و جندی‌شاپور تدریس می‌شد.

برخورد نظریات گوناگون موجب پیدایش نظریه‌های دورگه و میانه‌رو می‌گردید، مثلاً در میان جهودان جماعتی به نام «فریسی» پدید آمد که تحت تأثیر اندیشه‌های هندوایرانی و یونانی قرار داشت. روشنفکران ایشان همیشه در صدد آشتی دادن میان آن دو دیدگاه متناقض و جمع کردن میان آن‌ها با فلسفه ترکیبی نئوآفلاطونی بودند.

خود مسیح یکی از همین گروه «فریزی / فریسی» می‌بود که از باقی یهود جدا گشته بودند، جالب این که کلمه «فریز» در زبان‌های عبری و سریانی از همان ریشه «فرز» آمده که در عربی جدایی و اعتزال را می‌رساند و این گروه را به اتهام تندروی و بدعت‌گذاری جدا شده یا معتزله / فریزی می‌نامند، این درست همان سبب است که بعد از اسلام سنیان، معتزله را بدیدن لقب خواندند.

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از اسلام

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از اسلام

۴

یکی از بدعت‌ها که فریسیان (معتزله یهود پیش از اسلام) تحت تأثیر اندیشه‌های هندوایرانی وارد مذهب یهود کرده بودند، همین کوتاه آمدن نسبت ارزش الفاظ و واژه‌های تورات می‌بود.

ایشان برخلاف صدوقیان که اکثریت یهود و سلف صالح ایشان می‌بودند، الفاظ تورات را به تقلید از هندیان حادث می‌شناختند.

مسیحیان که در آغاز کار شعبه‌ای از این فرقه فریسیان یهود بودند، از همان دیدگاه ایشان به تورات نظر می‌کردند و حتی درباره انجیل‌های مسیح نظری واقع بینانه‌تر از نظر صدوقیان یهود نسبت به تورات می‌داشتند، مسیحیان ازلیت و ابدیت کلام خدا را منحصر به مسیح کرده او را کلمة الله خواندند.

در سده هفتم میلادی آن کشاکش میان صدوقیان یهود از یک سو و براهمه هند از یک سو و میانجی‌گری فریسیان یهود و مسیحیان در میان آن دو قطب، در دانشگاه‌های اسکندریه، حران، نصیبین، سورا (میان بابل و تیسفون) و جندی‌شاپور مورد بحث می‌بود.

هنگامی که اعراب در ربع اول قرن هفتم میلادی برعراق مسلط شدند، برای مدتی کوتاه این بحث‌ها متوقف گردید؛ لیکن استادان و دانشجویان و دیگر وابستگان این دانشگاه‌ها در میان مردم باقی ماندند و به نام «موالی» تحت حمایت قبایل عرب مانند کنده، قیس، عجل، اسد و دیگر قبایل مهاجر به عراق زندگانی نوینی را آغاز کردند. از این موالی روشنفکر گوینده و نویسنده در قرن اول هجری / هفتم میلادی نام‌هایی چون عکرمه اسیر جنگ بصره که به بردگی ابن عباس در آمد، کیسان مولای مختار ثقفی مؤسس مذهب کیسانی و کنگر کابلی مولای محمد حنیفه و جز ایشان بر جای مانده است و من به گوشه‌ای از تاثیر روشن‌گرانه عکرمه در قرن اول / هفتم، در مقاله حبر الامة که در مجله کاوه، شماره ۵۵ منتشر گردید^۱، اشارت نموده‌ام.

از نو طرح‌شدن مسأله

چنان که دیدیم مدتی پس از فروکش یورش‌های عرب، روشنفکران وابسته بدان دانشگاه‌ها که به صورت موالی عرب‌ها در آمده بودند کوشش‌های علمی خود را از نو آغاز کردند، در ضمن مسائلی که از نو مطرح گردید، همین مسأله قدم و حدوث

^۱ مجله کاوه، مونیخ، شماره ۵۵، سال ۱۲، بهمن ۱۳۵۳، حبر الامة، علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، برگه ۲۳ - ۲۵.

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از اسلام

۵

کلام الله می‌بود، ولی ابن بار قرآن جای ودا، تورات، اوستا، انجیل را گرفته آن‌ها را تحت الشعاع قرار داده بود. سُنَّیان سلفی که در عقیدت به قدم قرآن احترامی بیشتر برایش سراغ می‌داشتند، مانند صدوقیان یهود که آنان نیز سلف صالح یهود بشمارند، به قدیم‌بودن کلام الله معتقد شده در برابر ایشان گنوسیست‌های مسلمان که با همان موالی روشنفکر آمیزش داشته و با منطق بیشتر سر و کار می‌داشتند به حادث‌بودن آن قایل شدند.

ابن اثیر می‌گوید: نخستین کسی که به حادث‌بودن آن قائل شد طالوت یکی از یهودیان زندیق مدینه بوده است. (الکامل سال ۲۴۰) ابن اثیر در این جا همانند سُنَّیان دیگر که هر چه را نپسندند به یهود نسبت می‌دهند، با چنین سخن می‌خواهد اندیشه خلق قرآن را یک فکر یهودی قلمداد کند و این اندیشه فلسفی را تراوش مغز مردم ساده‌دل مدینه بشمرد، ولی او فراموش کرده است که صفت زندیق برای طالوت خود دم‌خروس است و بنابر فرض تسلیم به صحت خبر فریسی بودن طالوت را هم متحمل می‌سازد؛ زیرا که زندیق در آن عصر به کسانی گفته می‌شد که دارای افکار گنوسیستی هندوایرانی؛ یا تحت تأثیر آن بوده یا بدان متهم بودند.

خطیب بغدادی (د: ۴۶۳ ق / ۱۰۷۰ م) هم‌مسلك قدیم‌تر ابن اثیر نیز درباره بشر مریسی معتزلی به نام، که قائل به خلق قرآن می‌بود همین گونه سخن رانده است^۱.

ابن قتیبه در عیون الأخبار می‌گوید: نخستین کسی که به مخلوق بودن قرآن قائل شد مغیره عجلی است که از پیروان ابن سبای یهودی می‌بود^۲؛ البته خواست ابن قتیبه، یهودی قلمداد کردن اندیشه خلق قرآن است؛ لیکن تکیه او بر «ابن سبا» مچ او را باز می‌کند.

سبا چیست و ابن سبا کیست

در چهارده قرن گذشته بیشتر مؤرخان ملل و نحل نویسان سُنَّی ابن سبا را کنیت مردی به نام عبدالله دانسته او را از یاران علی شمرده، داستان‌هایی غلوآمیز بدو نسبت می‌داده‌اند. اخیراً دکتر طاها حسین رئیس درگذشته دانشکده ادبیات در وجود

^۱ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۷، ص ۶۱.

^۲ عیون الاخبار، ابن قتیبه دینوری، چ ۱۹۲۸، ج ۲، ص ۱۴۸.

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از اسلام

۶

مردی بدین نام شک کرده او را افسانه‌آمیز خواند، دکتر علی الوردی استاد شیعی دانشگاه بغداد، ابن سبا را کنیتی کنایت‌آمیز شمرد که سُنیان برای عمار یاسر آن یار وفادار علی ساخته‌اند. این نظر سُنیان متعصب را به پاسخ‌گویی واداشته محمد زاهد کوثری در پیش‌گفتار کتاب المقدمات الخمس و العشرون، ردی بر طاها حسین و علی الوردی نگاشت که در سال ۱۳۶۹ چاپ شده است.

آقای مرتضی عسکری نیز اخیراً در کتابی به نام عبدالله بن سبا آن تحقیقات را به کمال رسانیده‌اند که به سال ۱۳۷۵ چاپ شده است. آخرین تحقیقات نشان داده است که کلمه «ابن سبا» ترجمه کلمه سریانی «برسایا» بوده است.

در خاورمیانه زندگی پیش و پس از اسلام سبایی و برسایا و ابن سبا به کسانی اطلاق می‌شده است که دارای اندیشه‌های گنوستیک، هندوایرانی بوده‌اند؛ زیرا که سبا نام سرزمین یمن است و ابن سبا یا برسایا به معنی فرزند یمن باشد و سبایی منسوب بدان سرزمین است که در آن روزگار بندر بازرگانی رابط هند و آفریقا و مدتی نیز در اشغال سپاهیان ایران بوده است. از این رو، سرزمین یمن مرکز پخش اندیشه‌های عرفانی و توحید اشرافی هندوایرانی بود که از جنوب بر حجاز می‌تابید و در برابر اندیشه توحید عددی قرار داشت که از فلسطین و شمال بر حجاز می‌وزید. دو رگه بودن فرهنگ ترکیبی را که پیش از اسلام از آن دو پدید آمده بود، با داستان‌هایی سمبلیک نشان می‌دهد هم‌چون داستان زناشویی سلیمان پادشاه فلسطین یا ملکه سبا، این داستان در سوره نمل ۲۷: ۲۲ نیز منعکس است^۱.

آری دوگانگی اندیشه‌های هندی جنوب و یهودی شمال پس از اسلام نیز چشم‌گیر است، و این هر دو گونه توحید در قرآن کریم دیده می‌شود.

^۱ Z: قرآن کریم، سوره نمل، شماره ۲۷، آیت ۲۲: فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ نَحْطُ بِهِ وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبَا بِنِأَ يَقِينِ (۲۲) / پس هدهد زمانی نه چندان دور درنگ کرد و با شتاب بازگشت، پس گفت: ای سلیمان! من به چیزی گاهی یافته‌ام که تو به آن آگاهی نیافته‌ای و من از سرزمین سبا خبری مهم و یقینی برایت آورده‌ام. (۲۲)

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از اسلام

۷

آیات به ظاهر عددی بیشتر مکی و آیات اشرافی بیشتر مدنی می‌باشند و اختلاف سُنّیان با گنوسیست‌های مسلمان بر سر تعیین محکم و متشابه آن‌ها بوده است. بسیاری از گنوسیست‌های معروف «اهل صفة» در مدینه و بعد از آن تاریخ به یمن منسوب‌اند، حذیفه یمانی، عمار یاسر، طاوس یمانی بودند.

حضرت علی در برخی از سخنرانی‌هایش که بوی گنوس دارد با یک تن یمنی هم سخن شده، و در برخی دیگر می‌گوید: بوی خداپرستی را از سوی یمن می‌شنوم.

او در سخنرانی‌های ۱ و ۱۶۱ و ۱۸۳ صریحاً توحید عددی یهودی شمال را مردود دانسته و از این روی شیعیان بعدها آیات به ظاهر عددی را جزو متشابهات و آیات اشرافی را محکم می‌شمرده‌اند.

این کشاکش ایدئولوژیک میان دوگونه توحید (عددی و اشرافی) (نزاری - سبایی) به سبب عقب‌افتادگی مردم شبه جزیره عرب در قرن‌های (۱ - ۳ هـ / ۷ - ۱۰ م) به صورت کشاکش‌های قبیله‌ای عشایر عرب آشکار و در تاریخ اسلام بدان نام ثبت شده است و ترکیب این دو ایده‌ئولوژیک به صورت داستان سمبلیک صلح‌نامه یمین و ربیعه مندرج در نهج البلاغه ۷۴/۲ دیده می‌شود.

قبیله‌های جنوبی (قحطانیان) که مردم مدینه نیز خود را از آنان می‌دانسته از توحید اشرافی متأثر بودند و متهم به سبایی می‌شدند. قبایل نزاری ربیعه و مضری شمال که مردم مکه خود را بدیشان منسوب می‌دانستند تحت تأثیر توحید عددی یهود بودند.

پس از مرگ نابهنگام پیغمبر که اشراف عرب در سقیفه ساعده گرد آمده حکومت به دست نزاریان تمیم، ربیعه و مضر افتاد، طبعاً توحید عددی مذهب رسمی اسلام شناخته شد و بعدها «سنت و جماعت» لقب گرفت، پس توحید اشرافی که طرفدارانش بیشتر به حکومت خاندان پیغمبر متمایل بودند، کنار نهاده شد.

این کشاکش از آن تاریخ تا پایان قرن سوم که اسلام به دو صورت سُنّی دولتی و شیعی غیر دولتی شکل گرفت ادامه داشت، در کتب تاریخ: طبری، ابن اثیر، ابن کثیر، ابن خلدون به صورت کشاکش میان قبایل قحطانی (سبایی) و نزاری (سُنّی) منعکس شده و آقای عسکری آن‌ها را در دو کتاب گرانقدرش عبدالله سبا و خمسون و مائه صحابی مخلوق گرد آورده است.

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از اسلام

۸

از این جمله معترضه که در معرفی سبا و سباییان آوردم معلوم شد که قول به حدوث قرآن در قرن دوم هجری نیز تا اندازه‌ای از اندیشه‌های سبایی؛ یا هندوایرانی متأثر بوده، چنان که قول به قدم آن از عقاید کهن یهود اقتباس شده است. باری مأمون عباسی در ضمن فرمانی که برای تشکیل دادگاه‌های باورپرسی (تفتیش عقاید) راجع به قرآن خطاب به اسحاق بن ابراهیم رئیس پلیس بغداد صادر کرده در دو جا می‌گوید: نظریه قدیم بودن قرآن را سلفیان از نظریه مسیحیان در باره قدیم بودن کلمه الله و نامخلوق بودن مسیح گرفته‌اند.

مأمون در آن جا می‌گوید: قرآن را خدا بر زبان پیغمبر ساخته است.^۱

مأمون در ترویج نظریه حدوث بودن کلام الله به زور دولتی نیز متوسل شد، او سنیان سلفی را در کنار مانویان و زندیقان و گنوسیست‌های مسلمان به سیاه چال‌ها فرستاده شکنجه کرد.

همین مسأله نیز به خاورشناسان سنی زده میدانی برای دفاع از زمخت مذهبی حنبلیان و امام‌شان احمد داده است، والترپاتون *W. Patton* کتابی به نام *Ahmed b. Hanbal and the Mihna (Leiden. 1897)* به انگلیسی منتشر کرد.

معتزلیان نظریه حدوث کلام الله را چنین بیان می‌نمودند: قرآن عَرَض است نه جوهر و عرض مخلوق خدا نبوده؛ بلکه فعل جوهری است که مخلوق خدا بوده است^۲، پس قرآن حادث و ناشی از حرکت زبان محمد (ص) است که وی مخلوق خدا است، خدا خالق کلمات نبوده؛ بلکه خدا اندیشه‌ای را به مغز پیغمبر می‌اندازد و پیغمبر هر قوم آن اندیشه را به زبان قوم خود بیان می‌داشته است، ایشان گفتند: اعراض مخلوق جواهر می‌باشند و جواهر مخلوقات خدای‌اند و قرآن که عرض است، مخلوق جسمی است که دهان و زبان پیغمبر باشد^۳.
قرآن نه مخلوق خدا و نه صفت خدا است^۴.

^۱ تاریخ طبری، محمد فرزند جریر طبری، چ اروپا، ج ۳: ۱۱۱۲-۱۱۳۳ در حوادث سال ۲۱۸ق.

^۲ مقالات الاسلامیین، اشعری، ج ۲، ۲۴۱.

^۳ همان جا: ج ۱، ۲۴۶؛ ج ۲، ۲۳۲.

^۴ بغدادی، الفرق بین الفرق، برگه ۱۵۲.

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از اسلام

۹

واکنش سخت‌گیری حکومت معتزلی مأمون بر سُنَّیان چنان بود که پس از اندک مدتی همین که حکومت دوباره به دست سُنَّیان سلفی افتاد، به دست متوکل عقاید خرافی و پوچ خود را بر مردم تحمیل کردند.

حنبلیان بنا به گفته ابن بطه می‌گفتند: قرآن در هر جا باشد، به هر صورت که نوشته شود، نامخلوق و قدیم است.^۱ سُنَّیان حکم قدم کلام را شامل نسخه‌های دست‌نویس قرآن با مداد و کاغذش و صدای قرآن خواندن که از دهان برمی‌آید نیز کردند، ولی چون خرافات را نمی‌توان همیشه سربلند نگاه داشت، به ناچار در آغاز سده چهارم دو تن از شیوخ قوم از اعتزال به تسنن برگشته: یکی در بغداد به نام ابوالحسن اشعری (د: ۳۳۰ ق / ۹۴۱ م) و یکی در سمرقند ماتریدی ابومنصور (د: ۳۳۳ ق / ۹۴۴ م) به جمع کردن میان اندیشه‌های معتزلی و عقاید سُنَّی پرداختند، هر چند ماتریدی که از عربستان به دورتر می‌زیست، خود را گنوسیست‌تر و خردگراتر از اشعری می‌نمود؛ لیکن هر دو برای ارضای سُنَّیان در ناسزاگویی به عقل و تکفیر خردگرایان هم‌گام می‌بودند.

در مسأله قدم و حدوث قرآن، چون این دو تن می‌خواستند نظریات ضدفلسفی سُنَّیان را به قالب جدید فلسفی نما بریزند، گفتند: معانی قرآن صفت خدا و قدیم‌اند، ولی واژه و آوای صفت آدمی و حادث‌اند.

درباره واژه و آوای قرآن ماتریدی می‌گفت: آن‌ها کلام خدا هستند و حادث.

ولی اشعری می‌گفت: این آواها اصولاً کلام خدا نیستند.

سُنَّیان که بخاری نگارنده یکی از صحاح سته را به جرم آن که گفته بود: قرآن خواندن من مخلوق است، تفسیق کرده بودند، اشعری را نیز تکفیر کرده تا مدت یک قرن و نیم پس از مرگش لعنت کرده، گنوسیزم کم‌رنگ او را الحاد مجوسی‌گری باطنی‌گری شیعی‌گری می‌خواندند، تا آن که نظام‌الملک (د: ۴۸۵ ق / ۱۰۹۲ م) به وزارت رسید.

چون در قرن پنجم مردم ایران سخت به فلسفه فارابی و ابن‌سینا و کرمانی و سجستانی رو آورده آن‌ها را در حوزه‌های مخفی شیعی از قاینات تا الموت بررسی می‌کردند، نظام‌الملک برای دورکردن مردم از آن فلسفه ناچار شد، نظریات اشعری را

^۱ ابن بطه، برگه ۸۳ - ۸۶.

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از اسلام

۱۰

رسمیت دهد و در دانشگاه‌هایی که بدین منظور تأسیس کرد، به تدریس نهد؛ زیرا که اشعری فلسفه را از مضمون علمی تهی کرده به صورت بی‌بو و خاصیت در آورده، از جنبه ضدخرافات آن را کاسته بود.

نظام‌الملک اضافه بر آن، غزالی را بر آن داشت تا گنوسیزم ایرانی را هر چه بیشتر بر تنه عقاید سنی بیوشاند. غزالی از طرفی گنوسیزم، این فلسفه ایرانی را عرب‌پذیر کرده بخورد خلفای ایشان داد و از طرفی تسنن سیاسی را برای مردم ایران تحمل‌پذیر کرد و حکومت خلفا را که از طرف الموتیان ایرانی در خطر افتاده بود، برای مدت یک قرن و نیم تمدید کرد تا به دست مغولان از خارج واژگون گردید.

غزالی چندی بعد نظریات دورگه خود را برمسأله جای گفتگو حدوث و قدم قرآن نیز تعمیم داده است. سومین اعتراض بر شیعه در کتاب مستظهري آن است که شیعه قرآن را حادث می‌شمرند نه قدیم.

غزالی در نصیحة الملوك می‌گوید: قرآن، تورات، انجیل، زبور همگی سخن خدا و صفت او پس قدیم‌اند. غزالی در این جا به پیروی از سامیان کتاب‌های مذهبی ایشان را آسمانی و قدیم شمرده، نامی از کتاب‌های مذهبی هندی و ایرانی نیاورده است؛ زیرا که آریایی‌ها هیچ‌گاه خودشان چنین صفتی برای کتب خود قائل نبوده‌اند.

غزالی در تقدیس انجیل‌ها، این کتاب‌های نیمه‌آریایی و نیمه‌سامی، از صاحبان اصلی آن‌ها نیز جلوتر و تندتر رفته است؛ زیرا که هیچ‌کس حتی مسیحیان دوآشته کاتولیک نیز قائل به قدم آن‌ها نبوده‌اند.

غزالی درباره قرآن نیز اندیشه بخش بزرگ خردگرای مسلمان را نادیده انگاشته، زمخت‌ترین عقاید سنیان را بر کرسی نشانیده است، ولی برای آن که این زمختی را خردپذیر سازد، از گنوسیزم آباء اجدادی خود استفاده کرده اصطلاح کلام نفسی را پیش کشیده قدیم‌بودن را بدان اختصاص داده است. غزالی در احیاء العلوم مسأله را به صورت گفتگو میان یک پادشاه و یک حکیم مطرح کرده از گفته حکیم چنین می‌آورد که: هم‌چنان که آدمیان خواست خود را با «شخولیدن» به حیوان می‌فهمانند، خدا نیز خواست خویش را با واژه‌ها و آواها به آدمیان می‌فهماند!

۱ احیاء العلوم، امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ق)، چ. فارسی، تهران، ۱۳۵۲خ، ج ۲، ۳۶۱-۳۶۲.

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

الأثار الباقية عن القرون الخالية، ابوریحان احمد فرزند بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ق)، چاپ لایبستیک در ۱۹۲۳ و چاپ شده در *Documenta Islamica Inedita* در برلین در ۱۹۵۲.

احیاء علوم الدین، امام غزالی ابوالمحمّد محمد فرزند محمد (۴۵۰ - ۵۰۵ق)، چ بولاق ۱۲۸۹ق؛ إحياء العلوم الدین، امام محمد غزالی (د: ۵۰۵ق)، برگردان مؤیدالدین محمد خوارزمی به سال ۶۲۰ق، تصحیح حسین خدیو جم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۵۱خ.

الآداب و الأمثال علی مذاهب الفرس و الروم و العرب، ابوالحسن علی فرزند سهل ربن طبری (ز: ۲۵۲ق).

انجیل

انجیل یوحنا

اوستا

البدایة و النهاية، ابن کثیر، عماد الدین ابوالفداء اسماعیل فرزند عمر فرزند کثیر دمشقی (۷۰۱ - ۷۷۴ق)، ۱۴ جلد، المطبعة السلفية، مصر، ۱۹۳۵؛ مطبعة السعادة، قاهره، ۱۳۵۱ق.

تاریخ طبری، تاریخ الرُّسُل و الأمم و الملوك، تاریخ الأمم و الملوك، ابوجعفر محمد فرزند جریر فرزند یزید طبری، جریر طبری (۲۲۴ - ۳۱۰ق / ۸۳۹ - ۹۲۳م)، لایبزیك، آلمان، ۱۸۷۹ تا ۱۸۹۷م، ۱۶ جلد؛ برگردان ابوالقاسم پاینده ۱۵ جلد، انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۲؛ بنیاد فرهنگ، سال ۱۳۵۳، ۱۶ جلد؛ انتشارات اساطیر، ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵خ.

تاریخ طبری، ج ۱۶، تألیف عربی قرطبی، لایبزیك، آلمان، ۱۸۷۹ تا ۱۸۹۷م.

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از
اسلام

۱۲

دکتر علی نقی
نیم‌سنوی

تحقیق ماللهند من مقولة مقبولة في العقل او مزدولة ماللهند، ابوریحان بیرونی، محمد فرزند احمد (۳۶۲ - ۴۴۰ ق)، چاپ هند، ۱۹۵۸ م؛ دیگر: برگردان منوچهر صدوقی سها، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۱.

تورات

خمسون و مائه صحابی مختلق، مرتضی عسکری، بغداد، منشورات کلیة اصول الدین، ۱۳۸۷ ق.

دراسة في طبيعة المجتمع العراقي، علی وردی (۱۹۱۳ - ۱۹۹۵ م)، انتشارت شریف الرضی، قم، ۱۳۷۱ ق.

دلالة الحائرين، ابو عمران موسی فرزند میمون فرزند عبیدالله قرطبی (۵۳۰ - ۶۲۰ ق / ۱۱۳۵ - ۱۲۰۴ م)، ترجمه مایکل فریدلندر، نیویورک، انتشارات دوور، ویرایش دوم، ۱۹۵۶؛ دیگر: چاپ حسین اتای استانبول ۱۹۷۴ م.

دیوان المبتدأ و الخبر في التاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوي الشأن الأكبر، ابن خلدون، عبدالرحمان فرزند محمد (۷۳۲ - ۸۰۸ ق)، شحاده خلیل، دار الفکر، بیروت، ۱۳۸۰ خ / ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م.

زبور

شرح الاصول الخمسة، عبدالجبار فرزند احمد قاضی معتزلی همدانی (د: ۴۱۵ ق / ۱۰۲۴ م)، تصحیح عبدالکریم عثمان، قاهره، ۱۹۵۶ م / ۱۳۷۶ ق؛ دیگر: تصحیح سمیر مصطفی رباب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۳۲ ق.

الشرح و الابانة، الشرح و الابانة على أصول السنة و الديانة، ابن بطه، عبیدالله فرزند محمد فرزند بطه عکبری (۳۰۴ - ۳۸۷ ق / ۹۱۷ - ۹۹۷ م)، به کوشش لائوست، دمشق، ۱۹۵۸ م.

صحيح بخارى، أَلْجَامِعُ الْمُسْنَدُ الصَّحِيحُ الْمُخْتَصَرُ مِنْ أُمُورِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ سُنَّتهِ وَ أَيَّامِهِ، حافظ ابو عبدالله محمد فرزند اسماعیل فرزند ابراهیم فرزند مغیره فرزند بردزبه بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶ ق)، چاپ مصر، ۱۹۳۲ م.

طبقات ابن سعد، طبقات الكبرى، ابن سعد واقدی (د: ۲۰۷ ق / ۸۲۲ م)، ابو عبدالله محمد فرزند سعد فرزند منیع (۱۶۸ - ۲۳۰ ق / ۷۸۴ - ۸۴۵ م)، دار صادر، بیروت.

عبدالله بن سبأ و اساطیر اخرى، مرتضی عسکری، نجف، ۱۳۷۵ ق / ۱۳۳۵ خ؛ دیگر: قاهره، ۱۳۸۱ ق / ۱۳۴۰ خ؛ عبدالله بن سبا و دیگر افسانه های تاریخی، برگردان به پارسی احمد فهري زنجانی، محمدصادق نجفی و هاشم هریسی، انتشارات مجمع علمی اسلامی، قم، ۱۳۴۳ خ.

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از
اسلام

۱۳

- عیون الأخبار، ابن قتیبه دینوری (۲۱۳ - ۲۷۶ق)، چ ۱۹۲۸م؛ دیگر: دارالکتب العلمیة، بیروت، لبنان، ۱۴۱۸ق.
- فِرْقُ الشَّيْعَةِ، ابومحمد حسن فرزند موسی نوبختی (سده ۴ه)، هلموت ریتر، مطبعه دولت، استانبول، ۱۹۳۱م؛ برگردان محمدجواد مشکور، تهران، ۱۳۲۵خ.
- الفرق بین الفرق و بیان فرقة الناجية منهم، عبدالقاهر فرزند طاهر فرزند محمد اسفراینی بغدادی (د: ۴۲۹ق)، تصحیح محمد بدر، قاهره، ۱۹۱۰م / ۱۳۲۸ق؛ چاپ دیگر: تصحیح محمد الکوثری، قاهره، ۱۹۴۸م؛ دارالآفاق بیروت، ۱۹۷۷م؛ برگردان محمدجواد مشکور، ۱۳۳۰خ؛ دارالجیل، بیروت، لبنان، ۱۹۸۷م / ۱۴۰۸ق.
- فضل الاعتزال و طبقات المعتزلة، قاضی عبدالجبار فرزند احمد، چاپ فؤاد سید، تونس (بی تا).
- قرآن
- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر عزالدین ابوالحسن علی فرزند محمد جزری شیبانی (۵۵۵ - ۶۳۰ق)، تصحیح کارلوس یوهانس نورنبرگ، لیدن هلند، ۱۸۵۱ - ۱۸۷۶م؛ دارالصاد، بیروت، لبنان، ۱۳۸۵ق.
- کنز الفوائد، ابوالفتح محمد فرزند علی فرزند عثمان کراچکی طرابلسی صوری (د: ۴۴۹ق / ۱۰۵۷م)، چ سنگی، تهران، ۱۳۲۲ق؛ دیگر: انتشارات مصطفوی، قم ۱۴۱۰ق؛ تصحیح عبدالله نعمه، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰ق.
- مجله کاوه، مونیخ، شماره ۵۵، سال ۱۲، بهمن ۱۳۵۳، حبر الأمة، علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، برگه ۲۳ - ۲۵.
- المستظهری فی الرد علی الباطنیة در علم کلام، ابوحامد محمد فرزند محمد غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ق / ۱۰۵۸ - ۱۱۱۱م) یا فی فضائح الباطنیة؛ فضائح الباطنیة و فضائل المستظهریة، ابوحامد غزالی (د: ۵۰۵ق)، خطی، کتابخانه دانشگاه قرآن و حدیث (پردیس تهران)، شهر ری.
- مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، علی فرزند اسماعیل اشعری، تصحیح هلموت ریتر، دارالنشر فراز اشناینر، بیروت، لبنان.
- المقالات و الفرق، سعد فرزند عبدالله، ابوخلف اشعری قمی (د: ۳۰۱ق)، تصحیح و مقدمه نگاری محمدجواد مشکور، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، مطبعه حیدری، تهران، ۱۹۶۳م.

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از
اسلام

۱۴

المقدمات الخمس و العشرون في إثبات وجود الله و وحدانيته و تنزهه من أن يكون جسماً أو قوة في جسم من دلائل الحائرين، ابو عمران موسى، ابن ميمون (۱۱۳۶ - ۱۲۰۴م)، تحقيق محمد زاهد كوثري، مكتبة الازهرية، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۶۹ق.

المقدمات الخمس و العشرون، ابوبكر نيريزي، تصحيح و مقدمه نكاري محمد زاهد الكوثري، قاهره، ۱۳۶۹ق.
مقدمه ابن خلدون، ابن خلدون، عبدالرحمان عبدالرحمان فرزند محمد (۷۳۲ - ۸۰۸ق)، برگردان محمد پروين گنابادي، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶خ.

المِلَل و النِخَل، محمد فرزند عبدالکريم شهرستاني (۴۷۹ - ۵۴۸ق)، انتشارات شريف رضى، قم، ۱۳۶۴خ؛ چاپ ديگر: دارالمعرفة للطباعة و النشر، بيروت، لبنان، ۱۹۷۲م.

نهج البلاغة، امام على (ع)، گردآورنده سيد رضى (د: ۴۰۶ق)، شرح ابن ابى الحديد، عبدالحميد بن هبة الله معروف به ابن ابى الحديد (۵۸۶ - ۶۵۶ق)، پژوهش محمد ابوالفضل ابراهيم، داراحياء الكتب العربية، عيسى الباب الحلبى و شركاء.
نهج البلاغة، امام على (ع)، گردآورنده سيد رضى (د: ۴۰۶ق)، شرح محمد عبده، تحقيق محمد محيى الدين عبدالحميد، مطبعة الاستقامة، قاهره، مصر.

هشتمين كنگره تحقيقات ايرانى، کرمان ۲۵ - ۳۰ شهريور ۲۵۳۶، دفتر نخست، بيست و پنج خطابه، به كوشش محمد روشن، بنياد شاهنشاهى فرهنگستانهاى ايران، فرهنگستان ادب و هنر ايران، شماره ۷، چاپخانه حيدرى، مرداد ۲۵۳۷ شاهنشاهى، برگه ۳۰۰ - ۳۱۱، يك مسأله مورد بحث مشترك پيش از اسلام، حدوث يا قدم در كلام خدا، دكتر على نقى منزوى. والترپاتون *W. Patton* كتابى چ. ليدن، ۱۸۹۷ به نام: *Ahmed b. Hanbal and the Mihna, Leiden. 1897*
ودا

وعاظ السلاطين، على وردى (۱۹۱۳ - ۱۹۹۵م)، چاپ بغداد، ۱۹۵۴.

يك مسأله مورد بحث مشترك پيش از اسلام، حدوث يا قدم در كلام خدا، دكتر على نقى منزوى، هشتمين كنگره تحقيقات ايرانى، کرمان ۲۵ - ۳۰ شهريور ۲۵۳۶، دفتر نخست، بيست و پنج خطابه، به كوشش محمد روشن، بنياد شاهنشاهى

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از
اسلام

۱۵

دکتر علی نقی
نیم‌سنزوی

فرهنگستان‌های ایران، فرهنگستان ادب و هنر ایران، شماره ۷، چاپخانه حیدری، مرداد ۲۵۳۷ شاهنشاهی، برگه ۳۰۰ - ۳۱۱.

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

تذکره الشعراء میرزا صادق فرزند میرزا صالح آزادانی اصفهانی (۱۰۱۸ - ۱۰۶۱ق) نسخه خطی مجلس. نک: فهرست ریو، ج ۲، ۷۷۵؛ ج ۳، ۸۸۹؛ فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ابن یوسف شیرازی، ج ۳، ۲۶۶ - ۲۶۷. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ابن یوسف شیرازی، ج ۳.

Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum by Charles Rieu. Vol. I Londdon, 1966 – 432 pp. Vol II London, 1966, pp 433 – 877. Vol III London, 1966, pp, 881 – 1229. فهرست ریو، سه جلد.

Supplement to the Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum by Charles Rieu. Londdon, 1895. 308 pp. ذیل فهرست ریو.

صبح صادق، میرزا صادق فرزند میرزا صالح آزادانی اصفهانی (۱۰۱۸ - ۱۰۶۱ق) تاریخ ادبیات فارسی، هرمان اته، ترجمه صادق رضازاده شفق، تهران، ۱۳۵۶خ. ادبیات فارسی، استوری، چ. ا.، ترجمه به روسی: ی. ا. برگل، ترجمه یحیی آرین پور و دیگران، تحریر احمد منزوی، تهران، ۱۳۶۲خ.

شاهد صادق، عباس اقبال آشتیانی، مجله یادگار، سال ۲، شماره ۴، تهران، ۱۳۲۴خ. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، تهران، ۱۳۷۰خ.

مثل های فارسی از کتاب شاهد صادق، منزوی، صادق کیا، نشریه اداره فرهنگ عامه، تهران، شماره ۲، ۱۳۳۱خ، تذکره نصرآبادی، محمد طاهر نصرآبادی، به کوشش حسن وحید دستگردی، تهران، ۱۳۱۷ش.

یک مسأله مورد بحث مشترک پیش از اسلام